



گفتمان انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر محور مقاومت و شیعیان سوریه (۲۰۱۱-۲۰۲۴)

سوناز نصیری^۱

چکیده:

درگیری و نبرد در سوریه یک درگیری منطقه‌ای و بین‌المللی است. در این درگیری دو محور سیاسی با دو طرح و رویکرد حضور دارند. در یکی از این دو طرح راه مقاومت و مبارزه با دشمنان امت و خصوصاً دشمن اصلی رژیم صهیونیستی برگزیده شده است و در طرح دیگر، طرحی است برای سلطه و حفظ برتری رژیم صهیونیستی بر منطقه که دولت آمریکا و هم پیمانان منطقه‌اش رهبری آن را برعهده گرفته‌اند. با در نظر گرفتن بعد منطقه‌ای بحران سوریه، شیعیان با ورود به بحران سوریه در سطح منطقه‌ای توانست تأثیرگذار شود. رسیدن موج خیزش عربی به سوریه و شروع اعتراضات داخلی و گسترش بحران، این کشور را صحنه‌ای برای مبارزه گروه‌های متعدد نظامی با یکدیگر و دولت علوی، یک تازی گروه‌های شبه نظامی خارجی مانند داعش، دخالت مستقیم و غیر مستقیم قدرتهای منطقه‌ای و رویارویی قدرت‌های جهانی مبدل ساخته است. پژوهش حاضر با طراحی این سؤال که گفتمان انقلاب اسلامی پس از ۲۰۱۱ چه تأثیری بر محور مقاومت و شیعیان سوریه داشته است، این فرضیه را مطرح کرده است که گفتمان انقلاب اسلامی ۲۰۲۴-۲۰۱۱ به بعد در ساختار سوریه نقش فعال داشته و بر تقویت محور مقاومت تأثیر مثبتی داشته‌اند. شیعیان سوریه با برخورداری از جمعیت حداقلی، اتخاذ موضع ضد اسرائیلی، عدم برخورداری از پشتوانه قوی اقتصادی و رویه‌رو شدن با اجماع جهانی علیه دولت بشار اسد، توانسته‌اند با انتخاب راهبرد تدافعی و بهره‌مندی از سیاست‌های سازنده و مسامحه‌گرایی و پیگیری اصلاحات اجتماعی و اقتصادی گسترده و پرهیز از فرقه‌گرایی، در جهت بهبود جایگاه محور مقاومت در سوریه گام بردارند.

واژگان اصلی: انقلاب اسلامی، سوریه، شیعیان، محور مقاومت.

مقدمه

ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه با هارتلند ایران قلمداد می‌گردد. با توجه به مرام و ایدئولوژی خاص شیعیان که نوعی حرکت زایی و قیام آفرینی را در دل خود دارد و دسترسی آن‌ها به منابع نفتی و استقرار در مناطق حساس جغرافیایی، تأثیرگذاری ژئوپلیتیکی آن‌ها را دوچندان کرده است. مجموعه این عوامل را باید در ممانعت غرب از تعمیق و گسترش جنبش‌های اسلامی و شیعی در کشورهای مختلف خاورمیانه مورد توجه قرار داد. بیداری اسلامی یا جنبش اجتماعی - انقلابی در سال ۲۰۱۱ و در بستری از نارضایتی‌های سیاسی، هویتی، قومی، اقتصادی و مذهبی ریشه دار روی داد و سوریه یکی از کشورهایی بود که به دنبال وقوع انقلاب در تونس، به سمت بحران و جنگ داخلی پیش رفت. در این کشور ابتدا اعتراض و کنش جمعی به شکل راهپیمایی مسالمت آمیز برای انجام اصلاحات سیاسی بود، اما به دلایلی مانند سرکوب معترضان در درعا، نقش آفرینی ویرانگر رهبران سنی مذهب و سلفی‌های تندرو، دخالت منفی بازیگران فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای و ظهور و گسترش جریان‌های تکفیری سبب شدند که این کشور به سمت جنگی تمام عیار پیش رود. در طول بحران و با توجه به شرایط میدانی جنگ، سناریوهای مختلفی برای آینده سوریه مدنظر قرار گرفته و از تسلط معارضین در بدبینانه‌ترین حالت تا تجزیه این کشور به سه قسمت کردنشین، سنی نشین و علوی نشین در این راستا می‌توان اشاره کرد. اینک با توجه به وضعیت فعلی در سوریه فرضیه محتمل برای این کشور حفظ نظام علوی سوریه بوده و بیشتر قدرت‌های خارجی اعم از منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز بر روی این سناریو اتفاق نظر داشته و امروز نظام بین‌الملل به این نقطه رسیده که ثبات نسبی سوریه و تداوم حیات حکومت تضعیف‌شده فعلی سوریه برتر از آینده موهوم و یا حتی تجزیه این کشور است.

تحلیل وضعیت شیعیان سوریه و برخورداری ایشان از حمایت‌های مادی و معنوی جمهوری اسلامی ایران و همراهی ایشان در طول بحران با دولت بشار اسد، می‌توان نتیجه گرفت که شیعیان با انتخاب راهبردی مناسب و نزدیکی به سایر طوائف موجود در سوریه و کاستن از تنش‌های موجود و فرقه‌گرایی، می‌توانند در بهبود جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود در سوریه گام برداشته و خود را بیش از گذشته در همراهی با دولت سوریه همراه نمایند. با توجه به نقش و فداکاری شیعیان سوریه در بحران‌های گذشته، همچنین همسویی آن‌ها با علویان و از سویی با جمهوری اسلامی ایران، توسعه جایگاه آن‌ها می‌تواند بر آینده نقش آفرینی ج.ا. ایران در سوریه مؤثر باشد. علیرغم چنین نقشی تاکنون تصویر روشنی از سوی صاحب‌نظران و محققین ارائه نشده است.

زمینه‌ها و عوامل داخلی مسئله سوریه (۲۰۲۴-۲۰۱۱)

در دهه ۱۹۶۰ میلادی و از زمانی که حزب بعث در سال ۱۹۶۳ میلادی قدرت را در دست گرفت کودتاهای متعددی در این کشور به وقوع پیوست. از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد و با روی کار آمدن حافظ اسد نظام سیاسی حاکم دوران باثباتی را پشت سر گذشت؛ اما نظام سوریه در طی ۴۰ سال اخیر با مخالفت‌های داخلی روبرو بوده است و مبارزه علیه خاندان اسد که از سال ۱۹۷۰ میلادی قدرت را در اختیار گرفته‌اند، چیز جدیدی نیست. هر یک از بحران‌ها دوره‌ای از بی‌ثباتی را در این کشور به همراه داشته است. بنابراین تاریخ سوریه در طی سال‌های اخیر را می‌توان تاریخی پرفراز و نشیب دانست. مهم‌ترین چالش دوران حافظ اسد اخوان المسلمین سوریه بود که وی با مشت آهنین قیام آنان در شهر حما را سرکوب نمود و از این پس با تقویت اسلام‌گرایان میانه رو توسط حافظ اسد، مخالفت با او رنگ و بویی غیر دینی گرفت. اما این حوادث همچون آتش زیر خاکستر باقی ماند و نظام متصلب و خشک سوریه که همواره به مطالبات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی مردم با دیدی امنیتی می‌نگریست، بدون توجه به شرایط منطقه‌ای و انقلاب‌های صورت گرفته در کشورهای پیرامون سوریه و با سرکوب اعتراضات مردمی در شهر درعا بر آتشی که سال‌ها در زیر خاکستر زمان روشن باقی مانده بود دمید و آن را شعله ور ساخت. بی‌تدبیری نظام سوریه در مواجهه با مطالبات مردمی در طی دهه‌های گذشته و در طی حوادث رخ داده در سال ۲۰۱۱ میلادی، مبارزه‌ای که می‌توانست از جانب اپوزیسیون در داخل نظام صورت گیرد را به مبارزه با نظام تبدیل نمود.

حزب بعث سوریه از همان ابتدا همچون سایر نظام‌های سوسیالیستی رویکردی ضد دینی را اتخاذ نمود که بعدها با روی کار آمدن حافظ اسد و تأثیرپذیری وی از امام موسی صدر این رویکرد به رویکرد غیردینی تغییر یافت. حتی به رغم رویکرد جدیدی که حافظ اسد در مورد دین و فعالیت‌های دینی اتخاذ نمود کماکان هرگونه فعالیت دینی نظیر خواندن نماز و قرآن در ارتش و نهادهای حکومتی ممنوع بود. رویکرد غیر دینی حافظ اسد و نظام سیاسی تک حزبی و بسته موجود در این کشور از همان ابتدا مخالفت‌های جدی را در این کشور برانگیخت. (نورانی، ۱۳۹۶: ۴۸- ۱۵۲). پس از وقوع اعتراضات مردمی و اقدام نظام سوریه به اصلاح قانون اساسی، بر اساس اصل سوم قانون اساسی مقرر گردید که دین رئیس جمهور اسلام و فقه اسلامی مبنای قانون‌گذاری قرار گیرد.

بشار اسد نیز پیش از شکل‌گیری بحران سوریه به اصلاحاتی دست زد؛ ولی با اینحال پس از اصلاحات همچنان فساد نظام دولتی باقی ماند و در واقع آزادسازی اقتصادی محدودیت‌های سابق در

زمینه فساد را برطرف کرد. اما درعین حال ابعاد رفاهی سیاست‌های دولت نیز باقی ماند. به‌عنوان مثال اواسط دهه ۲۰۰۰ با کاهش منابع نفتی پیش‌بینی شده در سوریه ضرورت جدیدی برای اصلاحات احساس شد. اولین هدف نیز یارانه سوخت بود. این امر به‌خودی‌خود مشقت‌هایی را برای اقشار گسترده‌ای از جامعه از کشاورزان گرفته تا راننده‌های تاکسی ایجاد می‌کرد. سرمایه‌گذاری در بخش سلامت، آموزش و امنیت اجتماعی نیز مضمون سیاست ریاضتی شد. در دوران بشار اسد به‌جای اینکه یک جامعه مبتنی بر شهروندی و پذیرنده تنوع هویت‌های اجتماعی، مذهبی، قومی، منطقه‌ای و سیاسی ایجاد شود، یک فضای سیاسی بسته ایجاد شد.

ترکیب قومی و مذهبی سوریه

از آنجا که بخشی از دلایل وقوع بحران‌های سیاسی- اجتماعی در گذشته و حال حاضر در منطقه خاورمیانه به معنای اعم و در سوریه به‌طور خاص، در شکاف‌ها و تعارض‌های اجتماعی و میراث تاریخی در یک سده پیش ریشه دارد. باید خاطر نشان ساخت که بخشی بسیار مهم از پویش‌ها و رقابت‌های سیاسی، بحران‌های سیاسی اجتماعی و نحوه گذار به دموکراسی، به کم و کیف شکاف‌های اجتماعی، الگوها و ماهیت دولت ملت‌سازی مرتبطاند (سردار نیا و کیانی، ۱۳۹۷: ۱۱۴).

سوریه کشوری بیست‌میلیونی است که از کنار هم قرار گرفتن حدود ۴۰ مؤلفه قومی، نژادی، دینی و مذهبی تشکیل یافته است. در این موزاییک قومی مسلمانان سنی مذهب {شامل اعراب و کردها به نسبت ۶۵ و ۱۰ درصد} با اکثریت کمتر از ۷۵٪ بزرگ‌ترین گروه مذهبی را تشکیل می‌دهند. همچنین مسیحیان با ۱۰٪، کردها با ۱۰٪، علویان و شیعیان با ۱۵٪ از دیگر اقوام و مذاهب سوری هستند که بافت مذهبی و قومی سوریه را تشکیل می‌دهند. برخی دیگر این تناسب را به شکل دیگری مطرح کرده‌اند. به این ترتیب که ۶۰٪ اعراب سنی، ۱۲-۱۰٪ علویان، ۱۲-۱۰٪ مسیحیان، ۶٪ دروزی‌ها و ۱۰-۱۴٪ باقیمانده شامل سایر اقلیت‌های قومی و مذهبی مانند کردها و ارمنه و ... می‌شود. سوریه کشوری است که زمانی مرکز امپراتوری اسلام بود. در سوریه گروه‌های نژادی گوناگونی از قبیل عرب‌ها (۹۰ درصد)، کردها (۹ درصد)، ارمنی‌ها، آشوری‌ها و ترکمن‌ها (۱ درصد) زندگی می‌کنند. تقسیم‌بندی مذهبی آن نیز بدین صورت است: مسلمانان سنی (۷۴ درصد)، علوی‌ها (۱۲ درصد)، مسیحی‌ها (۱۱ درصد) و دروزی‌ها (۳ درصد) (افضلی، ۱۳۹۵: ۳۵۱).

در مسئله سوریه مانند تمام بحران‌های مهم منطقه خاورمیانه نقش قدرت‌های بزرگ دارای اهمیت

است. اگرچه قدرت‌های بزرگ در بوجود آمدن این بحران نقشی نداشتند اما در طولانی شدن آن نقش داشتند و هر کدام در کنار تلاش برای حل بحران و خاتمه جنگ داخلی سوریه به دنبال اهداف خود نیز بودند. این اهداف را می‌توان به سه دسته متضاد، رقابتی یا همسو تقسیم‌بندی کرد. قدرت‌های جهانی در این تقسیم‌بندی به دو دسته غربی و شرقی تقسیم‌بندی می‌شوند. اگرچه برخی کشورهای اروپایی گاهی رویکردهای بینابینی داشتند، اما به طور کلی در مدار ایالات متحده حرکت کردند. اگر بخواهیم نقاط مشترک یا افتراق رویکردهای قدرت‌های بزرگ را مورد بررسی قرار دهیم لاجرم در مسیری حرکت می‌کنیم که به آینده حکومت سوریه مرتبط می‌شود.

چارچوب نظری

خلال دهه‌های اخیر و در فهم ماهیت و کنش‌های بازیگران سیاسی، توجه به عنصر «هویت» رشد ویژه‌ای در مطالعات علوم اجتماعی داشته و زیرشاخه‌های این رشته در دوره اخیر به ابعاد هویت جوانانه بازیگران سیاسی و اجتماعی توجه شایانی از خود نشان داده‌اند. در همین راستا حتی اگر اطلاق محوریّت متغیر «هویت» در فهم منظومه جهان‌بینی و منافع بازیگران و جنبش‌های تغییرطلب فعال در حوزه جهان اسلام پذیرفته نشود، باز نمی‌توان منکر شد که لافل در شرایط فعلی جهان اسلام و به‌طور خاص منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، جهان‌بینی و نظام منافع بازیگران موجود به طرز تنگاتنگی با نیازهای هویتی ایشان گره خورده است. با همین لحاظ، جنبش‌های جهادگرای سلفی نیز از سنخ موجودیتهای هویت‌گرایی هستند که در آنها منافع فرهنگی، اعتقادی و هویتی بر منافع مادی تقدم و اولویت دارد و اساساً سنخ اول از منافع، موتور محرکه ایشان به حساب می‌آید. از همین رو می‌بایست توجه داشت که بهره‌گیری صرف از تئوری‌های مادی قدرت همچون نظریه «رنالیسم» به تنهایی نمی‌تواند در فهم صحیح کیفیت کنشگری این طیف از بازیگران مفید و موثر افتد. در نتیجه به‌جهد می‌بایست از نظریات معناگرایانه و تفسیرگرایی همچون «سازه‌انگاری» و «امنیت هستی‌شناختی» بهره جست که بهتر می‌توانند کیفیت و فرایند تأثیربخشی اقتضائات هویتی بر خلق، توسعه و نیز گرایش و جذب به جنبش‌های جهادگرای سلفی را تبیین نمایند. (های، ۱۳۹۰: ۳۲۷-۳۰۳).

نکته مهم دیگر در اینجا این است که از منظر سازه‌انگاری، ساختارها مبتنی بر تعامل‌گرایی اجتماعی، ماهیتی بازنمایانه و بین‌الذهانی دارند، یعنی سازه‌انگاری برای ساختارهای غیرمادی و فکری-هنجاری نقش تعیین‌کننده قائل است. به بیان دیگر، سازه‌انگاری با تأکید بر اینکه؛ ۱- باورها

نقش تعیین‌کننده در ساخت واقعیت دارند، ۲- دنیای سیاسی-اجتماعی نه چیزی معین که اساساً بین ذهنی، یعنی محصول فرایند ساخت اجتماعی است و ۳- هیچ واقعیت عینی مستقل از درک ما از آن وجود ندارد، بر آن است که در کنار عوامل و ساختارهای مادی باید برای عوامل و ساختارهای غیرمادی (فکری-هنجاری) در تبیین مسائل اجتماعی نقش قائل بود. در واقع، سازه‌نگاری برای ساختارهای غیرمادی به اندازه ساختارهای مادی اهمیت قائل است. (های، ۱۳۸۵: ۵۱ و مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۳۴)

در نظریه ساخت‌یابی گیدنز، عوامل انسانی هرچند در چارچوب ساختارها و تا اندازه‌ای تحت الزام قواعد ساختاری عمل می‌کنند، اما در تغییر، تکمیل و حتی ساخت ساختارهای نو می‌توانند نقش داشته باشند. در واقع، بر اساس این نظریه میان ساختارها و عوامل انسانی رابطه متقابل و دیالکتیکی برقرار است. به اعتقاد گیدنز ساختار و عاملیت در عملکرد جاری اجتماعی هیچگونه جدایی از هم ندارند و این دو در واقع دو بعد تفکیک‌ناپذیر واقعیت اجتماعی را تشکیل می‌دهند و دو روی سکه این واقعیت به شمار می‌آیند. در نظریه ساخت‌یابی، فرد و ساخت نظام اجتماعی در زمان و مکانی به همدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و قلمرو مطالعات علوم اجتماعی بررسی اعمال اجتماعی است که در پهنه زمان و مکان، نظم پیدا کرده‌اند (استونز، ۱۳۷۹: ۴۲۷).

شیعه‌هراسی و ریشه‌های افراط‌گرایی در سوریه

رشد تبار این نوع خشونت به قبل از بحران سوریه و نفوذ اندیشه‌های سلفی و تکفیری وهابی در میان اهل سنت سوریه از طریق مراکز دینی عربستان برمی‌گردد. اگرچه اخوان‌المسلمین سوریه تحت تأثیر اندیشه حسن البنا به عنوان یک اصلاح‌گر و ناقد خشونت بودند اما بتدریج آنها به دو دسته تقسیم شدند: جریانی که با ابزار سیاسی، پارلمانی و تبلیغات فعالیت می‌کرد و نماینده آن السباعی بود؛ دیگری، جریانی که به کودتا و اعمال خشونت اعتقاد داشت. (ابراهیم و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۳)

دسته دوم «جبهه النصره» است که شامل کنشگران خشونت‌طلب فرقه‌ای دارای تابعیت خارجی است و در قالب گروه‌ها و ائتلاف‌های مختلف، در چارچوب مدیریت القاعده فعالیت می‌کنند. این جبهه در اواخر سال ۲۰۱۱ و با آغاز بحران و جنگ در سوریه تحت عنوان «جبهه النصره لاهل الشام» و به عنوان شاخه گروه دولت اسلامی در عراق تشکیل شد و به سرعت به یکی از گروه‌های مطرح در این عرصه تبدیل شد.

دسته سوم «داعش» است. گروهی متشکل از خشونت‌طلبان فرقه‌ای که عمدتاً دارای تابعیت خارجی می‌باشند. این گروه ابتدا با عنوان «دولت اسلامی در عراق» در اکتبر ۲۰۰۶ در عراق، به رهبری ابو عمر البغدادی، اعلام موجودیت کرد. پس از هلاکت ابو عمر در ۲۰۱۰/۴/۱۹ ابوبکر البغدادی به عنوان جایگزین وی معرفی شد. از این زمان، دامنه عملیات و حملات این گروه تروریستی وسعت گرفت و همزمان با آغاز بحران در سوریه، البغدادی با گسترش فعالیت‌های خود در سوریه، گروه خود را به «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) تغییر نام داد. از این پس بود که سوریه به کانون خشونت و اقدامات بیرحمانه گروه‌های سلفی تکفیری تبدیل شد.

خشونت‌بارترین اقدامات فرقه‌ای توسط دو گروه اخیر در سوریه صورت می‌گیرد. در واقع، رفتارهای خشونت‌آمیز فرقه‌ای و ایدئولوژیک از نسل اول القاعده به رهبری بن‌لادن و ایمن الظواهری به نسل دوم به رهبری زرقاوی و نسل سوم به رهبری البغدادی خشن‌تر و تقابلی‌تر با شیعیان و سایر ادیان پیروان سایر فرقه‌ها و ادیان می‌شود؛ نسل اول القاعده متأثر از علمای حنبلی و وهابی، تفکرات فرقه‌ای داشتند ضد شیعی است اما از حیث برخورد، اولویت را در مبارزه، جهاد و قتال به دشمن دور یعنی آمریکا می‌دادند و از این جهت، به پیروان سایر فرقه‌ها آسیبی وارد نمی‌کردند. این در حالی است که نسل دوم القاعده سعی دارد هم آمریکا و هم پیروان سایر فرقه‌ها، بویژه شیعیان را هدف قرار دهند اما در عمل بیش از آنکه بر آمریکایی‌ها متمرکز شوند، شیعیان را هدف قرار می‌دهند. نسل سوم القاعده به طور کلی پیروی خود از سازمان القاعده و ایمن الظواهری را نفی کرده و اولویت اصلی مبارزه، قتال و خشونت را متوجه پیروان سایر فرقه‌ها و به طور کلی، شهروندان غیرهمراه کرده‌اند. از این رو، داعش و جبهه النصره را باید کارگزاران اصلی ارتکاب به خشونت فرقه‌ای و ایدئولوژیک بی‌سابقه در سوریه دانست. اندیشه سیاسی گروه‌هایی همچون داعش که در تقابل با شیعیان عراق و سوریه و اهل سنتی که با آنها همراهی ندارد، براساس همان استدلال‌های سلفی‌های سنتی (وهابیت) صورت می‌گیرد. یعنی دشمن نزدیک (شیعیان) را منافقان می‌دانند که از کافران اصلی خطرناکتر است (نک. مرادی، ۱۳۹۴: ۲۲۵-۲۲۱ و نبوی، ۱۳۹۳: ۸۲).

شیعه هراسی و ایران هراسی از جمله سیاست‌های تبلیغی رسانه‌های عربی و غربی است که نقش زیادی در برانگیختگی جریانات تکفیری داشته است. از آغاز بحران سوریه، دستگاه‌های اطلاعاتی عربستان کوشیدند تا با به راه انداختن تبلیغات، نقش ایران شیعی را در سرکوب مخالفان سنی پررنگ نمایند و به تشکیل یک جبهه واحد منطقه‌ای علیه ایران دست زنند. علمای وهابی نقش کلیدی در این

راستا ایفا نمودند و به تبلیغات گسترده علیه شیعیان و نقش ایران در سوریه پرداختند (Al Rasheed, 2011: 522).

جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی و امنیتی سوریه پس از بحران ۲۰۱۱

عنصر شیعی در طول دهه‌های گذشته، به عنوان یک بازی‌گر مؤثر در سیاست خاورمیانه نقش کم‌رنگی ایفا نموده است. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این روند تغییر یافت و عنصر شیعه ماهیت ژئوپلیتیک گرفت و در سطح بین‌المللی کانون توجه گردید. شیعیان علوی یکی از گروه‌های شیعی هستند که در سال‌های اخیر، کانون توجه قرار گرفته و در تحولات اخیر خاورمیانه نقش آفرین بوده‌اند. شیعیان علوی که تاریخ شکل‌گیری آن‌ها به قرن سوم هجری می‌رسد، در تسلسل تاریخی پر فراز و نشیب خود، تحولات زیادی را پشت سر نهاده و امروزه بیش‌تر در ترکیه و سوریه استقرار دارند. شیعیان علوی سوریه یک اقلیت را تشکیل می‌دهند که سال‌های زیادی را در انزوا و تحت ستم بوده‌اند. استقرار فرانسویان در سوریه، فرصتی را برای علویان فراهم نمود تا با تکیه بر آن‌ها، خود را تا حدودی از انزوا خارج نمایند. با حاکمیت حافظ اسد بر سوریه، علویان توانستند قدرت سیاسی را به دست آورند و از دوران سخت گذشته فاصله بگیرند. حضور داعش و النصره، فکر اسقاط نظام سوریه در بین گروه‌های مخالف سوریه را به یک فکر دینی متعصب تبدیل کرده بود و یکی از دلایل اهمیت آزادسازی القصیر نیز به همین موضوع بر می‌گردد.

جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی و اجتماعی سوریه پس از بحران ۲۰۱۱ با عوامل ذیل دارای

ارتباط مستقیم و دو گانه بوده است:

حفظ حزب‌الله

آنچه در وهله نخست در باب ورود حزب الله به سوریه می‌توان مطرح کرد، مبارزه برای بقاست؛ زیرا بدون وجود دولتی همراه با مقاومت در سوریه، مقاومت اسلامی با مشکلاتی مواجه می‌شود. از این رو هزینه کردن برای سوریه برابر با هزینه کردن برای موجودیت شیعیان است. بنابر سخنان رهبران مخالفان اسد، تضعیف شیعیان در صورت سقوط حکومت اسد، یکی از اهداف مخالفان است. این هدف را می‌توان از اهداف اصلی حامیان لبنانی، منطقه‌ای و بین‌المللی مخالفان اسد نیز دانست. (Dekel, 2017: 2-4).

در حال حاضر حذف دولت اسد در سوریه، پیامدهایی منفی برای امنیت شیعیان دارد. این پیامدها

را می‌توان در چند بعد مشاهده کرد:

الف) یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت شیعیان مانند هر بازیگر دیگری در صحنه بین‌المللی - که همچنان اصل آنارشی و خودیاری بر حاکم است - تقویت توان نظامی است. با تغییر نظام سیاسی در سوریه، شیعیان پشتوانه نظامی بزرگی را از دست خواهد داد. وجود تهدیدهای مشترک برای شیعیان و سوریه، دوستی و توافق راهبردی میان آن‌ها را به همراه داشته است (Batrawi & Grinstead, 2019:8-9).

ب) سوریه علاوه بر اینکه حامی مستقیم شیعیان است، کانالی برای حمایت‌های غیر مستقیم نیز محسوب می‌شود. حذف سوریه به معنای قطع حلقه اتصال میان جمهوری اسلامی ایران و مقاومت شیعیان است که این موضوع هزینه‌های جبران ناپذیری برای مقاومت به دنبال خواهد داشت. یکی از مهم‌ترین دلایل دشمنی رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن با سوریه، نقش دمشق به‌عنوان مسیر انتقال حمایت‌های ایران به شیعیان است. این در حالی است که ایالات متحده و متحدان اروپایی آن، سال‌هاست که به روش‌های مختلف تسلیحاتی و سیاسی از رژیم اشغالگر قدس حمایت می‌کنند تا به تجاوز نامشروع و غیرقانونی خود ادامه دهد. (Magen, 2015:25-26).

مقابله با رژیم صهیونیستی

مبارزه با رژیم صهیونیستی و آزادسازی فلسطین اشغالی، همواره اصلی‌ترین هدف شیعیان بوده است. شیعیان با ورود به جبهه سوریه به نوعی در صدد بود از پیدایش یک دشمن جدید جلوگیری کند تا بتواند با خاطر آسوده به هدف اصلی و علت وجودی خود یعنی مبارزه با رژیم صهیونیستی بپردازد. شیعیان معتقد است «موجودیت صهیونیسم مطلقاً بی پایه و باطل است؛ موجودیتی خشن، اشغالگر، تروریست و سرطانی است که هیچ مشروعیت یا جایگاه حقوقی ندارد». همچنین مقاومت اسلامی توانست با پیروزی‌های سیاسی، تبلیغاتی و نظامی، به ذهنیت جمعی اسرائیل وارد شود و حضور ثابت خود را در اندیشه روزانه آن تحمیل کند. (رضوی و گودرزی، ۱۳۹۶: ۵۸).

حمایت از جهان اسلام و شیعیان

شیعیان، دفاع از سوریه را در واقع دفاع از محور مقاومت و در نهایت دفاع از فلسطین و در راستای آزادسازی قدس می‌داند. در این باره سید حسن نصرالله در هفتمین سالگرد پیروزی شیعیان در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ میلادی که در جنوب لبنان در منطقه «عیتا» برگزار شد گفت: «از آنجایی

که دفاع از سوریه و مردم سوریه و دولت سوریه که در جنگ ۳۳ روزه به ما کمک کردند را از دفاع از مسئله اصلی خودمان که همان فلسطین و آزادسازی قدس است می‌دانیم اگر لازم شود خودم و همه شیعیان به سوریه می‌رویم و از آن دفاع کنیم چرا که مسئله سوریه یک مسئله وجودی برای شیعیان و مقاومت فلسطین است» (نورانی، ۱۳۹۶: ۲۳۹).

دفاع از اماکن مقدسه در سوریه

یکی از مهم‌ترین دلایل ورود شیعیان به سوریه، حمایت از اماکن دینی و نیز پیشگیری از تخریب این اماکن از سوی گروه‌های سلفی تکفیری می‌باشد. (ناصرالدین، ۲۰۱۳) از دید شیعیان هدف گرفته شدن مراکز مذهبی از جمله مراکز زیارتی شیعیان، تداوم و تشدید جنگی ضدشیعی علیه تمامی شیعیان منطقه است و بنابراین نمی‌توان چنین تحولی را محدود به سوریه دانست. در نگرش رهبران شیعیان، حمایت از اماکن مقدسه نه تنها توسط نظام سوریه، بلکه توسط داوطلبان شیعه امری واجب به شمار می‌رود. آنچه چنین گرایشی را نزد رهبری شیعیان تشویق می‌کرد، ماهیت فرهنگی - مذهبی آن بود که برای شیعیان لبنانی، به عنوان گام نخست ورود شیعیان به بحران سوریه قابل توجیه بود. این رویکرد البته محدود به شیعیان و شیعیان لبنان نبود و از سوی شیعیان عراق نیز اتخاذ شد.

افزایش قدرت محور مقاومت

شیعیان با الهام از افکار امام خمینی (ره) و تکیه بر اسلام و مبارزه با دسیسه‌های غرب، از یک سو با تأکید بر ولی فقیه و پیوند فکری با ایران، موضع‌گیری ایدئولوژیک همسو دارد و از سوی دیگر ماهیت منازعه با اسرائیل، روابط با سایر مسلمانان و دیدگاه نسبت به جهان غرب را توجیه می‌کند (جعفری فر و احرامی، ۱۳۹۷: ۷۷-۹۳). شیعیان به مفهوم تقسیم جهان به دو بخش مستکبران و مستضعفان پایبند است. این جنبش، آمریکا را شیطان بزرگ و سیاست آمریکا در خاورمیانه را سیاستی اسرائیلی می‌داند. از این رو، اسرائیل نوک پیکان آمریکا در منطقه و آمریکا ابزار اسرائیل است. شیعیان با این تصور، آمریکا را سردمدار تقسیم دولتی در جهان و منطقه تلقی می‌کند (باقری و بصیری، ۵۸: ۱۳۹۴).

شناسایی شیعیان به عنوان یکی از قطب‌های مقابله‌کننده با تروریسم

تقابل شیعیان با گروه‌های معارض سوری، از سوی جامعه بین‌المللی به عنوان یکی از قطب‌های مقابله‌کننده با تروریسم مورد شناسایی تلویحی قرار گرفته است. برای به دست آوردن این نتیجه دو

عامل به کمک شیعیان آمده است: نخست، دغدغه بین‌المللی برای بحران سوریه و دوم، ظهور دولت اسلامی عراق و شام و جبهه النصره و تحرک آنها به خصوص در مرزهای لبنان و سوریه و اقدامات این گروه‌ها در تجهیز و ارسال خودرو.

ارتقای نقش و بازیگری شیعیان در سطح منطقه

اگر شیعیان بخواهد یک قدرت منطقه‌ای باشد، باید ظرفیت لازم را در حد یک اقدام منطقه‌ای در خود پدید آورد و این ظرفیت‌ها را ظهور برساند؛ یعنی بتواند در عرصه‌های نظامی و امنیتی در منطقه مقتدرانه وارد شود و ضمن نقش‌آفرینی، تأثیرگذار نیز باشد. شیعیان برای آنکه بتوانند در حد و اندازه چنین قدرتی عرض اندام کند، باید نسبت به حوادث و رخدادهایی که در عرصه بین‌الملل رخ می‌دهند و به طور مستقیم و غیرمستقیم منافع شیعیان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، از خود واکنش مناسب را نشان دهد و توان تأثیرگذاری بر این تحولات را داشته باشد (زارعی، ۱۳۹۲).

الگوپردازی از شیوه مقاومت شیعیان در میان جنبش‌های اسلامی غرب آسیا

پیش‌بینی می‌شود که جنبش حماس از گروه‌های اسلامی‌ای باشد که با الگو برداری از شیعیان، توان رزمی-عملیاتی خود را در برابر ارتش رژیم صهیونیستی تقویت نماید. سبک مقاومت شیعیان، تلفیقی از جنگ‌های چریکی و کلاسیک، با استفاده از فناوری‌های نوین است و این احتمال وجود دارد که شیعیان، آموزش نیروهای حماس یا در ایجاد هماهنگی و تعامل بیشتر با آنها، توازن قوا را تا حدودی به نفع خود تغییر دهند (عراقی، ۱۳۹۷: ۱۳۷). یکی از پیامدهای فرامنطقه‌ای حضور شیعیان در سوریه، تشدید اقدامات دشمنان مقاومت علیه این جنبش بوده است که در قالب بزرگ‌نمایی قدرت آن صورت گرفته است. به‌عنوان نمونه، تحلیلگران رژیم صهیونیستی تأکید کردند که شیعیان لبنان به یک ارتش کارآزموده تبدیل شده و در سایه جنگ شهری در سوریه، تجارت بالایی کسب کرده است (گودرزی و رضوی، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

نتایج به دست آمده نشان‌دهنده برخورداری شیعیان از فرصت‌ها و نقاط قوت فراوانی مانند تشکیل حکومت در سوریه، مجاورت با مناطق شیعه‌نشین، برخورداری از حمایت روسیه، قرار گرفتن در محور مقاومت و غیره است. از طرفی مؤلفه‌هایی مانند جمعیت محدود، عدم برخورداری از پشتوانه اقتصادی قوی، وجود نارضایتی گسترده از حکومت علوی بشار اسد، دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و

فرمانطقه‌ای در سوریه، گفتمان ضدشیعی و هایبون و ترویج اندیشه شیعه‌هراسی به عنوان منابع تهدید در برابر نقش‌آفرینی شیعیان سوریه محسوب می‌شوند.

نتیجه‌گیری

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سبب شد تا وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعیان مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته و بحث ژئوپلیتیک تشیع مطرح گردد. شیعیان در سوریه از گروه‌های اقلیت دینی و از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب گسترده و پراکنده شده‌اند، این اقلیت کمتر از ۱٪ در طول بحران سوریه با توجه به حضور و حمایت جمهوری اسلامی ایران و مقاومت از کشور سوریه، از جمله گروه‌های وفادار و حاضر در صحنه دفاع از سوریه قرار گرفتند و با توجه به سهم اندک در کمیت جمعیتی سوریه ولی در دوران جنگ و بحران سوریه نقش بسزایی در برقراری امنیت و دفاع از کشورشان بر عهده داشتند، اهدای قریب به ۶۰۰۰ شهید از میان خانواده شیعیان (بیشترین عدد شهدا بعد از شهدای جامعه علویان) و حضور در مناطق عملیاتی و بحران و دفاع از مقدسات و تمامیت ارضی سوریه و عدم سقوط مناطق حضور ایشان خود دلیلی بر مقاومت و روح ایستادگی این جامعه دارد، لکن علی‌رغم این حضور موثر در بحران سپری شده و کمک به دولت برای مبارزه با جریان‌های تکفیری تاکنون کرسی و نقش خاصی به شیعیان سپرده نشده است.

از جمله موارد حضور موثر و مداوم در یک کشور، تاثیر و نفوذ فرهنگی بر یک ملت می‌باشد، بر همین اساس لازم است توجه ویژه بر بخش‌های فرهنگی و اجتماعی جمعیت‌های همسو و وابسته به ج.ا. داشته و قبل از اقدام رقبای منطقه‌ای، ما راه را بر نفوذ مجدد آنها ببندیم که بی‌شک این اقدامات خود یک نوع دفاع از مرزهای نظام مقدس جمهوری اسلامی و دست برترست در مواجهه با جنگ نرم دشمنان اسلام که از تاکیدات مقام معظم رهبری بوده است.

از این رو اهتمام بر موضوع تقویت محور مقاومت که وابستگی اعتقادی و اندیشه‌ای به جمهوری اسلامی ایران دارند، بیش از پیش نمود و احساس می‌گردد. به نظر می‌رسد لازم است با در نظر گرفتن ملاحظات دولت سوریه، جامعه شیعیان را در سوریه در موضوعات ذیل مورد توجه قرار دهیم:

۱. اهتمام به دین‌داری و ارتقای سطح معرفت دینی جامعه شیعیان.
۲. ارتقای سطح فرهنگی و معیشتی جامعه شیعیان.
۳. کمک به تجمیع جغرافیایی و از حالات پراکندگی خارج نمودن جامعه شیعیان.

۴. حفظ جامعه شیعیان و همراه نمودن ایشان با محور مقاومت.

۵. تقویت ارتباط شیعیان با سایر طوائف در راستای تاثیرگذاری و نقش آفرینی شیعیان.

۶. ایجاد و افزایش نفوذ شیعیان در داخل نظام و ساختارهای سیاسی و اجتماعی سوریه.

۷. کمک به ارتقای سطح علمی شیعیان با راهکارهای اعطای بورسیه تحصیلی دانشگاه های

جمهوری اسلامی.

شیعیان با الهام گیری از انقلاب اسلامی ایران و با ورود به بحران سوریه دستاوردهای راهبردی در

راستای محور مقاومت به دست آوردند که عبارتند از:

۱. جلوگیری از تبدیل سوریه به پایگاه و پناهگاه تکفیریها از نقاط مختلف جهان؛

۲. جلوگیری از سقوط دولت سوریه در چهارچوب تدوین نقشه ژئوسیاسی جدید برای منطقه؛

۳. جلوگیری از بهره‌برداری اقتصادی و راهبردی اسرائیل از جنگ در سوریه؛

۴. جلوگیری از قطع راه‌های اصلی کمک رسانی به مقاومت به دست اسرائیل و ممانعت از تبدیل

سوریه به منبع تهدید همیشگی علیه مقاومت؛

۵. جلوگیری از قطع ارتباط بین محور مقاومت از طریق شکست سوریه و سرنگونی نظام حاکم

آن و جایگزینی کردن یک نظام جدید در سوریه؛

۶. ناکام گذاشتن تلاش رژیم صهیونیستی برای تبدیل منطقه جولان سوریه به نوار مرزی تحت

کنترل از خود (گودرزی و رضوی، ۱۳۹۶: ۱۰۲)؛

۷. جلوگیری از نابودی و فراموشی قضیه فلسطین به دلیل جنگ در سوریه؛

۸. تبدیل شدن شیعیان به یک قدرت تأثیرگذار در سطح منطقه پس از ورود به صحنه جنگ در

سوریه؛

در حال حاضر با توجه به سقوط بشار اسد، آنچه بیش از پیش ذهن ها را به خود مشغول میسازد،

برداشت و بهره گیری از فرصت های پیش آمده از حضور جمهوری اسلامی ایران در سوریه در

حمایت از جریان ها و گروه های مرتبط و طرفدار میباشد، بدون شک در تاریخ گذشته و بلاخص بعد

از پیروزی انقلاب اسلامی مشابه چنین وضعیتی برای حضور در سوریه فراهم نگردیده است که شایسته

است با تلاش، برنامه ریزی و بهره برداری از زمان در تقویت نظام جمهوری اسلامی و تاثیرگذاری

منطقه ای آن گام برداریم.

منابع

- احمدی، حمید؛ قربانی، فهیمه (۱۳۹۳). تاثیر بحران سوریه بر روابط ایران و ترکیه. روابط خارجی، ۶(۳)، ۴۴-۷
- افضلی، رسول (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل پیامدهای ژئوپلیتیکی بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. جغرافیا، ۱۴(۵۰)، ۳۴۵-۳۶۸.
- امینی، علی اکبر؛ آقاعلیخانی، سعید؛ ابراهیمی، رحمت (۱۳۹۲). کالبد شکافی بحران سوریه و مداخل آمریکا در آن. پژوهشنامه روابط بین الملل، ۶(۲۳)، ۴۸-۷۶.
- باقری، محسن؛ بصیری، محمدعلی (۱۳۹۵). بررسی رابطه شیعیان لبنان با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه انگاری و نواقح گرایی، مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۰(۴۰)، ۴۹-۷۲.
- رضوی، سلمان؛ گودرزی، طاهره (۱۳۹۶). حزب الله در سوریه تحول استراتژیک با تاکتیک. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- زارعی، سعدالله (۱۳۹۲). حزب الله لبنان، قدرتی ملی اقلیمی یا بین المللی. کیهان ش ۲۰۶۴۴، ۲۹ آبان.
- زمان، سید قاسم؛ زمانیان، سورنا (۱۳۹۵). جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران سوریه. مطالعات حقوق عمومی، ۴۶(۳)، ۶۴۸-۶۲۷.
- سردارنیا، خلیل الله؛ کیانی، فائزه (۱۳۹۵). تحلیل بحران سوریه از منظر شکافه های اجتماعی. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۴(۱)، ۱۱۱-۱۳۲.
- صادقی، سید شمس الدین؛ لطفی، کامران (۱۳۹۴). تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه. جستارهای سیاسی معاصر، ۱(۱)، ۱۲۳-۱۴۴.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). امنیت بین الملل - جلد اول: فرصت ها، تهدیدات و چالش های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- عبد خدایی، مجتبی؛ تبریزی، زینت (۱۳۹۴). نقش گروه های تکفیری- تروریستی سوریه و عراق در تامین امنیت اسرائیل. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۲(۴۱)، ۱۴۹-۱۶۸.
- عبداله پور، محمدرضا؛ آذربوون، سیف اله (۱۳۹۸). تقابل استراتژی میدان های منطقه ای در بحران سوریه، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۲(۴۷)، ۱۰۷-۱۳۰.
- عراقی، عبدالله (۱۳۹۷). نقش شیعیان لبنان در امنیت منطقه غرب آسیا با تاکید بر حمایت و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران. سیاست دفاعی، ۲۴(۹۳)، ۱۰۱-۱۴۲.
- فردآر، دیوید (۱۳۷۹). مدیریت استراتژیک. ترجمه علی پارسایان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.

فضل الله، حسن (۱۹۹۴). الخیار الآخر: شیعیان، سیره الذاتیه، الموقف. بیروت دارالهادی.

نبوی، سید عبدالامیر؛ دری، مریم (۱۳۹۶). ضعف دولت - ملت سازی در سوریه و وقوع جنگ داخلی در این

کشور (۲۰۱۱-۲۰۱۶). دانش سیاسی، ۱۳(۲۵)، ۹۹-۱۲۱

جعفری فر، احسان؛ احرامی، سجاد (۱۳۹۷). تأثیرات منطقه‌ای دخالت شیعیان و اسرائیل در بحران سوریه.

مطالعات آسیای جنوب غربی. ۱(۴)، ۹۹-۷۳.

مرادی، اسداله؛ شهرام نیا، امیرمسعود (۱۳۹۴). بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران.

پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۵(۴۵)، ۱۲۵-۱۵۲.

نورانی، مهدی. (۱۳۹۶). «شیعیان در سوریه». تهران: انتشارات شهید کاظمی.

Bahout, Joseph. (2016). THE UNRAVELING OF LEBANON'S TAIF AGREEMENT Limits of Sect-Based Power Sharing".Carnegie Endowment for International Peace (2016).From: (<http://www.jstor.com/stable/resrep13072>)

Batrawi, Samar and Grinstead, Nick. (2019). «Six scenarios for pro-regime militias in post-war Syria». Clingendael Institute (2019). From: (<http://www.jstor.com/stable/resrep21301>.)

Blanford, N (2017). "Hezbollahs Evolution". Washington, D.C.: Middle East Institute.

Blanford, Nicholas (2014)."Hezbollah: In Syria for the Long Haul". From: (<https://www.mei.edu/publications/hezbollah-syria-long-haul>)

Blanford, Nicholas. (2017)."Countering this Violent Transnational Movement: Responses and Scenarios". Report Subtitle: From Lebanese Militia to Regional Player. Middle East Institute (2017).From: (<http://www.jstor.com/stable/resrep17563.5>)

Britannica Report." Separation of ethnic groups in Syria". FROM: (<httpswww.britannica.com/place/Syria/The-winds#ref29950>)

Byman, Danial L. (2018). "Another War in Lebanon?". From: (<https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2018/09/07/another-war-in-lebanon/>.)

Fisher, c. (1989)." Current and Recurrent Challenges in HRM". *Journal of Management*. 15. No.

Forough, Mohammadbagher. (2021). Geographic Agency Iran as a 'Civilizational Crossroads' in the Belt and Road Geography Chapter". Global Perspectives on China's Belt and Road Initiative Book Subtitle. Asserting Agency through Regional Connectivity Book Editor(s): Florian Schneider Published by: Amsterdam University Press. (2021) Stable URL: (<https://www.jstor.org/stable/j.ctv1dc9k7j.15>.)

Hage Ali, Mohamad. (2019)."Power Points Defining the Syria-Hezbollah Relationshi". Series on Political Islam. Carnegie Endowment for

International Peace.1779 Massachusetts Avenue NW Washington, DC
20036 From: CarnegieEndowment.org.

Hirishman, A. O. (1984). Pioneers in Development, Oxford: Oxford University
Press.

Magen, Amichai. (2015). "STRIVING FOR SECURITY IN AN INSECURE
WORLD".KAS INTERNATIONAL REPORTS.From:
(<http://www.jstor.com/stable/resrep10107.7>)